



معلم حقیقی

مرگ معلم

آموزش کوپنی، خوب یا بد؟!

دوگانه ی اداره یا مدرسه!



وقت آن است که غرب مانند همه زمان های دیگر با همه تقدیمی که در علوم و صنایع دارد فلسفه زندگی را از شرق بیاموزد

اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب / شهید مطهری



معلم بی تربیت

از زمان دانشجومعلمی به دنبال یادگیری مطالب و محتواهای مختلف و جالبی بودم که در مدرسه و کلاس درس مرا یاری کنند؛ تعریف تربیت یکی از همین مطالب بود. آیا تربیتی که در سند تحول بنیادین تعریف شده است، در مدارس و کلاس های درس اجرا می شود؟ اصلاً معلمان تربیت را چگونه تعریف می کنند؟ نگاه معلم به تربیت چگونه است؟ آیا معلمان دانش آموزان را تربیت می کنند؟ و...

اینها سؤالاتی بود که همیشه در سرم می چرخیدند و به دنبال جوابشان بودم. با شروع سال تحصیلی و ورود من به کلاس درس سعی کردم بیشتر تربیت کنم.

فضای مدرسه و کلاس به من این فرصت را داد تا با دانش آموزان مختلفی مواجه شوم و در موقعیت های حساسی قرار بگیرم که باید برای حل مسائل کلاس خود تصمیم های مهمی می گرفتم. تصمیم گیری برای تربیت یا تصمیم گیری برای تعلیم؟ منظورم از تعلیم، آموزش تک بعدی است. من تصمیم گرفتم تا تربیت تمام ساحتی را تا جایی که می توانم در کلاس خود پیاده کنم.

این گونه بود که به تعادل و توازن بسیار خوبی در کلاس خود رسیدم و دانش آموزان خود را در موقعیت های مختلف تربیتی قرار دادم. معلمی که بدون توجه به ساحت های تربیت به دنبال تربیت دانش آموزان خود باشد قطعاً مسیر اشتباهی را می رود. زیرا خداوند در وجود هر انسان، توانایی ها و استعداد های گوناگونی قرار داده است که معلم با تربیت می تواند او را به سوی کمال خود هدایت کند و مسیرش را هموار سازد. (۱)

همیشه ایام ۱۲ اردیبهشت، همه از معلم می گویند. از زحماتش، از سختی ها و از اهمیت کارش. عده ای که سر در کتاب و مطالعه دارند، از معلمان وارسته ای چون مطهری، رجایی و باهنر سخن می رانند؛ اما کدام معلم را باید ستود و روزش را گرامی داشت؟ معلمی که تنها یک کد پرسنلی از آموزش و پرورش سهم اوست و در شغل های دوم و سوم غرق شده، یا معلمی که همچون یک ربات در سیستم هضم شده و تنها آنچه سیستم از او خواسته را بدون کم و کاست انجام

می دهد و به مکان و زمان توجهی ندارد؟! معلم حتماً مسختم آموزش و پرورش است؟ اگر معلمی را فرای یک شغل بدانی خواهی دید که می توان معلم بود اما معلم نبود. معلمی که روزش را باید تبریک گفت کیست؟ آن که در قواعد و ساختار زمانه، خودش را محدود نمی کند. آن که از تدریس کتاب درسی پا فراتر می گذارد و در تمام روز، حتی خارج از مدرسه، خود را مقابل تابلو کلاس تصور می کند و هرکاری که انجام می دهد برای دانش آموزان و

جامعه درس قلمداد می کند. معلمی که به دنبال تربیت است، همه را به چشم شاگرد می بیند. مگر می شود معلم از شاگردش کینه بر دل گیرد؟! معلم واقعی، یک میانجی و مصلح است که جامعه حول او مجتمع می شود و تفرقه از او گریزان است؛ معلم واقعی تربیت میکند. همه را از دانش آموز گرفته تا مسئولین و مردم جامعه؛ تربیت می کند و در این راه تربیت می شود. (۲)

معلمان پایه ریز تمدن نوین هستند چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد تمدنی به وجود نخواهد آمد

در جامعه ای که بر محور آموزش می چرخد، معلم مرکز آن دایره و محور آن حرکت است

معلمین عزیز باید جوانان را بسازید. باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم طلبی پرورش دهید نه با روحیه مدرک طلبی



آموزش کوپنی، خوب یا بد؟

پته ای، مدارس تقاضامحور، مدارس حمایتی در ایران هم مطرح بوده و به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز راه یافته است. مدارس کوپنی به مثابه سازوکاری برای گسترش مدارس خصوصی عمل کرده اند و بر خلاف ادعاهای اولیه، تاثیری بر بهبود کیفیت مدارس عمومی نداشته اند و حتی به افت کیفیت این مدارس انجامیده اند. این کوپن ها به خروج دانش آموزان با معدل بالاتر و دانش آموزان طبقه متوسط به بالا از مدارس عمومی به مدارس خصوصی منجر می شوند.

به تعبیری بیش از آن که دانش آموزان مدرسه را انتخاب کنند، این مدارس هستند که به فیلتر دانش آموزان می پردازند و در این فرآیند بهبود کیفیت مدارس خصوصی هم بیش از آن که ناشی از بهره وری آموزشی باشد، ناشی از جذب دانش آموزان خوب مدارس عمومی است. این کوپن ها بیش از آن که رقابت را بین مدارس تقویت کنند، به رفتار رانت جویانه دامن زده اند. (۳)

مدارس کوپنی، ایده ای بود که اولین بار توسط میلتون فریدمن مطرح شد؛ اما پیش از آمریکا این پی نوشته بود که پس از کودتای نظامی در شیلی، این ایده را به طور گسترده به کار گرفت.

شیوه اجرای ایده ی مدارس کوپنی به این صورت است که دولت به جای دادن بودجه به آموزش و پرورش، آن را به صورت کوپن در اختیار خانواده های دارای دانش آموز قرار می دهد تا آن ها بتوانند مدرسه دلخواه خود را انتخاب کنند. ادعا این است که این سازوکار از یک سو قدرت انتخاب خانواده ها را افزایش می دهد و از سوی دیگر به ایجاد رقابت کیفی بین مدارس می انجامد. مدارس با کیفیت تر می توانند برای خود شهریه هایی بالاتر از رقم کوپن های توزیعی تعیین کنند و خانواده ها در صورت انتخاب این مدارس باید مابه تفاوت قیمت را از جیب بیرازند. طی دو دهه اخیر ایده مدارس

معلم حقیقی

آموزگاران مهم‌ترین عناصر سیستم تعلیم و تربیت جوامع‌اند چون دانش آموزان آنان در دوره سنی‌ای قرار دارند که بیشترین تأثیرپذیری را از معلم خود دارند و او را پس از والدین، به عنوان الگوی رفتاری خود انتخاب می‌کنند. به همین دلیل رفتاروگفتار آموزگار در این مقطع(دبستان) فوق العاده اهمیت پیدا می‌کند. اما آیا ما آموزگاران به اهمیت این موضوع پی‌برده‌ایم؟ آیا خود را به عنوان انتقال‌دهنده یک‌سری مفاهیم ریاضی و فارسی می‌شناسیم یا به‌عنوان الگوی رفتاری دانش‌آموز؟ آیا ما صرفاً باید بر روش‌های نوین تدریس و مدیریت کلاس تسلط داشته‌باشیم یا اینکه در زمینه‌های رفتاری و سبک زندگی سالم هم حرفی برای گفتن داشته باشیم؟ آیا وظیفه ما صرفاً تأثیر و انتقال آگاهی بر دانش‌آموزانمان است یا آموزش والدین هم در حیطه وظایف ماست؟ شاید یک عده به اهمیت این موضوع پی‌برده باشند و بخواهند که خودشان را فراتر از کلاس درس و مدرسه معرفی کنند.

اما چطور می‌شود که خودمان را از قیدوبندهای روش تدریس و اصول کلاس‌داری و طرح‌درس‌نویسی آزاد کنیم و علاوه‌بر این موارد بر شیوه زندگی دانش‌آموزانمان هم اثر بگذاریم؟ چه‌طور می‌شود که بر والدین هم اثرگذار باشیم و در اصلاح رفتارها و روابط آنان هم تأثیرگذار باشیم؟ به‌طور کلی چه‌طور می‌شود ما آموزگاران و به‌نوعی ما معلمان بر جامعه تأثیرگذار باشیم و خودمان را به عنوان الگوی جامعه و مصلح جامعه معرفی کنیم؟

همه این موارد در گرو انجام این چهار مورد می‌باشد. اگر بتوانیم این چهار کار مهم را انجام دهیم معلمین به خصوص آموزگاران می‌توانند تأثیر فوق العاده مهمی را بر محیط اطراف خود بگذارند و خود را به عنوان الگوی جامعه معرفی کنند و دوباره شان و منزلت تنزل یافته خود را ارتقا دهند.

ابتدا باید نوع نگاه ما به معلمی تغییر کند و وظیفه معلمی خود را در کلاس جا نگذاریم و در جامعه هم به‌عنوان معلم ظاهر شویم؛ اما نه به عنوان برگزارکننده کلاس خصوصی برای دانش‌آموزان بلکه خودمان را به عنوان الگوی جامعه بشناسیم و به معلم بودن خودمان افتخار کنیم و هر کسی پرسید شغلَت چیست با افتخار بگوییم معلم تا دیگران هم به ما افتخار کنند و اهمیت دهند.

سپس باید خودمان را غنی از علم کنیم اما نه صرفا علوم ریاضی و فارسی و شیمی؛ بلکه باید با علم زندگی آشنا شویم. نوع نگاه معلم به زندگی نباید مثل بقیه افراد جامعه باشد؛ نباید در برخورد با مسائل و چالش‌ها مانند سایر افراد جامعه برخورد کند؛ نباید هر حرفی را بزند؛ نباید هر کاری را انجام دهد و به‌طور کلی نباید مثل بقیه زندگی کند!

بله! این کارها خیلی سخت است، اما زمانی انگیزه این نوع زندگی کردن را پیدا خواهیم کرد که ابتدا خودمان را به‌عنوان الگوی جامعه باور داشته‌باشیم. باور داشته‌باشیم که دیگران به ما با یک دید دیگر نگاه می‌کنند؛ باید باور داشته‌باشیم که پیامبر جامعه هستیم. آن‌وقت است که خودبه‌خود رفتارهایمان تغییر پیدا می‌کند.

از طرفی باید این علم زندگی را به دیگران هم منتقل کنیم. دیگر در جلساتی که با اولیا می‌گیریم نباید صرفاً درباره مباحث درسی صحبت کنیم؛ بلکه درباره نوع رفتار والد و فرزند هم صحبت کنیم. درباره روش صحیح تربیت فرزند حرفی برای گفتن داشته باشیم. از تکنیک‌های برخورد با چالش‌ها و مشکلات زندگی هم حرفی بزنیم. در اصلاح استفاده بی‌حد و اندازه خانواده‌ها از رسانه و فضای مجازی هم تلاش کنیم. درباره نوع نگاه والدین به دین هم صحبت کنیم و به آنان یاد دهیم خدا و معنویت را در زندگی خودشان وارد کنند تا به آرامش واقعی دست پیدا کنند.

اما همه این موارد در گرو علم ماست. اگر توانستیم علم‌مان را گسترش دهیم و گسترده کنیم، آن‌وقت است که می‌توانیم ابتدا خودمان و سپس جامعه را تغییر دهیم و به عنوان الگوی جامعه معرفی شویم.

و در آخر این نکته مهم را رعایت کنیم: خودمان شخصیت خودمان را تخریب نکنیم! هر جایی و پیش هر کسی از مشکلاتمان صحبت نکنیم. اگر با سبلی صورتمان را سرخ نگه‌می‌داریم، به نامحرمان نگوییم پیش دانش‌آموزان و والدینشان از سختی معیشتی صحبت نکنیم. چون بیان‌کردن این موارد به آنان مشکلی را حل نمی‌کند؛ فقط شخصیت خودمان را کوچک و تخریب می‌کنیم و در نتیجه آن اثر گذاری ما کاهش پیدا خواهد کرد.

(۴)

سقراط، مرگی که به‌خاطر ایستادن در برابر جاهلیت بود و دلیل محاکمه ناراحتی اشراف از سوال پرسیدن جوانان بیدار یا نیمه‌بیدار آتن. جنبش عدالت‌خواهی که آخرین سخنان سقراط جام زهر بدست راه‌انداخت و در قلب دانش‌آموزانش که هر کدام استادانی بزرگ در فلسفه بودند فرو رفت

تا این که به ۶۵ سال پس از میلاد مسیح فردی به نام سنکا خود را در مرگ مقلد سقراط ببیند. سنکا در زندگی رویه سقراطی که از اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی دوری می‌کرد را دنبال نمی‌کرد. به این اعتقاد بود که من در این دنیاام و منابعی در دست

دو گانه ی اداره یا مدرسه!

انتخاب‌ها مسیر زندگی را می‌سازند. علاقه‌ها، روحیات و تجارب زیسته، نقش خود را در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند. از جمله انتخاب‌های یک دانشجومعلم، حضور در کلاس‌ها و یا حضور در بخش اداری آموزش‌وپرورش است. برای دانشجومعلمی باروحیه اجتماعی بالا، باسابقه حضور در تشکل‌های فرهنگی – تربیتی، ممکن است نقش پرورشی و تربیت‌بدن اداره آموزش‌وپرورش محل خدمت خود، همچون امور تربیتی، فرهنگی، هنری و... مناسب‌تر باشد؛ یا برای دانشجومعلمی که در انجمن علمی رشته‌اش فعالیت داشته و تدریس را به‌صورت جدی دنبال می‌کرده، بهترین مکان کلاس درس باشد.

مخاطبان یک معلم، ممکن است حدود 30 فرشته دوست‌داشتنی یا چند کلاس درس متوسط باشد. معلم برای آنان الگوی قابل اعتماد و احترام است. حرف، حرف معلم است. تعلیم‌وتربیت دوطرفه شکل می‌گیرد. جوّ مدرسه و دانش‌آموزان، صمیمی و پویاست و از جمله چالش‌ها، ارتباط با کادر مدرسه و والدین دانش‌آموزان است که از مهر تا خرداد و شاید شهریور ادامه دارد. اما مخاطبان بخش اداری، بر حسب بخش‌های مختلف، شامل کلیه مدیران، معاونان آموزشی و پرورشی، معلمان و... است.

این باید با مسئولین اداره کل آموزش‌وپرورش استان هم روزانه ارتباط وجود داشته باشد. به این قضایا، ارباب رجوع روزانه را هم اضافه کنید. در محیط رسمی ستادی، مسئولیت‌ها سنگین‌تر و بیشتر است و همیشه باید آماده پاسخگویی بود.

در زندگی معلمی، سالانه حدود 30 دانش‌آموز در مقطع دبستان و بیش از 200 دانش‌آموز در مقطع متوسطه، لذت کسب تجربه و یادگیری روزبه‌روز، یاددهی مسائل جدید، احترام ویژه بین والدین و خانواده‌ها، انجام امر و رسالت تربیت و انسان‌سازی، نداشتن وقت کافی برای استراحت یا فعالیت‌های اقتصادی در تابستان و... وجود دارد.

کشف وجه و به نمایش درآوردن استعدادها برای جمعیت چند هزارنفری مخاطبان، دریافت مبلغی به‌عنوان اضافه‌کار، تجربه‌کردن شرایط مختلف کاری و تنوع در مدت‌زمان 30 سال خدمت، زمان و شرایط مناسب برای ادامه تحصیل، تغییرات مثبت و اثربخشی در سطح شهرستان و استان و... جنبه‌های مثبت زیست کارمندی در بخش اداری است.

انتخاب‌های ما مسیر آینده ما را رقم می‌زنند. اهدافی که برای خود در نظر گرفته‌ایم یا همان افسانه شخصی ما، تعیین کنند که در مسیر ارزشمند معلمی و یا در مسیر خطیر حضور در بخش ستادی آموزش‌وپرورش ادامه دهیم.(۶)

در تمام آثارش، ردپای عمیق وجود دارد؛ از عشق عجیبش به اسلام و مسلمین. این عشق عمیق او باعث شد که کتب فراوانی درباره‌ی اسلام و ارزش‌های اسلامی بنویسد و ساعت‌های میدیدی از سخنرانی‌ها به یادگار بگذارد که حجم انبوهی از آن مکتوب شده و به کتاب تبدیل گشته‌است. در اصل او از ابتدای عمرش، خود را وقف اسلام کرد و در آخر، برای اسلام و مسلمین جان داد و فدا شد. (۵)

سید محمد علی حسینی، روحانی و مبارز ایرانی، از شاگردان علامه طباطبائی و از بزرگان علمای شیعه و از مراجع تقلید شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه

	<div>مدیر مسئول: عرفان قاسمی قاسموند</div>	<div>(4) رضا کیان پور</div>
	<div>سر‌دبیر: محسن محمدی</div>	<div>(5) احمد رضا مرادی</div>
	<div>هیأت تحریریه:</div>	<div>(6) ابوالحسن بحرامیان</div>
	<div>(1) محمد علی صالحی</div>	<div>(7) حسن آرامون</div>
	<div>(2) محمد وطن دوست</div>	<div>گرافیک و صفحه‌آرایی: رضا کیان پور</div>
	<div>(3) حسن کریمی نژاد</div>	<div>ویراستار:علی شهبازی</div>
	<div>شماره مجوز: 50700/009</div>	

راه‌های ارتباطی:	
<div>@rasam_bfu</div>	
<div></div>	

افرادی که تابه‌حال چهره‌ای از آن‌ها ندیده‌ای نیز به جهنم بروی. عزت و منزلت در درک این مهم و قبول کردن بار این مسئولیت است که بدفهمی و یا کج فهمی شنونده‌ات سرت را می‌تواند بر باد دهد. (۷)

معلم مطهر

شهید مطهری را هر کس با گوشه‌ای از ذره‌ی وجود آن شهید بزرگوار ی شناسد. گاهاً مبارزات سیاسی او را ذکر می‌کنند و او را یک مبارز سیاسی-فرهنگی تمام عیار ی دانند. در فضای دانشگاهی که آشنا با آثار او هستند، او را یک فیلسوف کاربلد و مرد منطقی می‌دانند.

بعضی او را به فن بیانش شناخته‌اند و دیگران او را به تسلطش بر بعضی آثار ادبی منظوم؛ اما او را باید تام و تمام شناخت و تقلیلش نداد به این ابعاد تک‌وتتها.

شهید مطهری همان مقدار که تسلط بر فارسی داشت، عربی را هم خوب می‌دانست. فلسفه‌اش منظم بود به نظامی منطقی و سلسله‌مراتی. گاهاً اگر دو صفحه از مطالب یک فیلسوف غربی را به او نشان می‌دادی، می‌توانست با استفاده از قوانین منطقی، باقی افکار آن فیلسوف را استخراج کرده و بیان کند. اما با تمام این پیچیدگی‌های فکری و عقلی، بسیار ساده‌گو بود و این ویژگی او، به شدت قابل تحسین است.

در اصل، او در یک کنجکاوی علمی به سر می‌برد که باعث شد تا آخرین لحظات عمر پربار خود، دست از مطالعه، پژوهش و تفکر بر ندارد. در اصل از فلسفه‌ی اسلامی و غربی لبریز بود؛ در تاریخ اسلام نمونه بود و دست از تلاش برای فهم بیشتر و درک عمیق‌تر بر نمی‌داشت و این شاخصه قابل ستایش است.

در تمام آثارش، ردپای عمیق وجود دارد؛ از عشق عجیبش به اسلام و مسلمین. این عشق عمیق او باعث شد که کتب فراوانی درباره‌ی اسلام و ارزش‌های اسلامی بنویسد و ساعت‌های میدیدی از سخنرانی‌ها به یادگار بگذارد که حجم انبوهی از آن مکتوب شده و به کتاب تبدیل گشته‌است. در اصل او از ابتدای عمرش، خود را وقف اسلام کرد و در آخر، برای اسلام و مسلمین جان داد و فدا شد. (۵)

سید محمد علی حسینی، روحانی و مبارز ایرانی، از شاگردان علامه طباطبائی و از بزرگان علمای شیعه و از مراجع تقلید شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه

رسم قرار دارد؛ پس باید از آن‌ها استفاده کنم. همین توانایی او در خواستن و قبول کردن گنج‌های دنیوی او را به معلم شاهزاده رم و در آینده، مشاور دربار رساند؛ شغلی پر درآمد و با نفوذ شدید سیاسی برای فیلسوف معلم. این خوشی‌ها اما جامی پر از شراب زهرآگین بیش نبود. نامه مرگ سنکا به دست دانش‌آموزش نوشته شده و امضا شده بود.

اگر تا اینجا واضح نبود، هر دو فیلسوف به خاطر اعمال دانش‌آموختگانشان بود که به بستر مرگ رفتند. این است جایگاه معلمی که باعث می‌شود نه بخاطر اعمال خود، بلکه اعمال دیگری، چه‌بسا

^[1] سید محمد علی حسینی، روحانی و مبارز ایرانی، از شاگردان علامه طباطبائی و از بزرگان علمای شیعه و از مراجع تقلید شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه

^[2] سید محمد علی حسینی، روحانی و مبارز ایرانی، از شاگردان علامه طباطبائی و از بزرگان علمای شیعه و از مراجع تقلید شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه و از علمای برجسته و صاحب‌نام شیعه